

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸، صفحات ۶۹-۸۵

## بررسی عملکرد دولت در توسعه اقتصادی - اجتماعی روستاهای استان همدان\*

حمید سپهر دوست\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۹/۱۰

### چکیده

این مقاله بر آن است که نخست، بر اساس شاخص‌های زیربنایی، آموزشی و بهداشتی، به اندازه‌گیری درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان همدان در بخش روستایی و سپس، به مقایسه عملکرد برنامه‌ای دولت طی برنامه سوم توسعه پردازد. از مدل تاکسونومی عددی برای همگن‌سازی و سنجش سطح توسعه‌یافتگی مناطق روستایی، از ضریب اختلاف ویلیامسون برای مقایسه ضریب نسبی تغییرات، و نیز از روش تحلیل عاملی برای رفع هم‌خطی، کاهش عوامل، و استخراج عوامل مؤثر بر عدم توازن منطقه‌ای استفاده شد. نتایج گویای آن است که طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳، اگر چه سیاست‌های برنامه‌ای دولت در رشد و توسعه بخش‌های روستایی استان نابرابری توزیع امکانات و تسهیلات را در پی داشت، اما مقایسه ضریب تغییرات نشان می‌دهد که برنامه سوم توسعه با اثراتی مثبت بر توزیع متعادل‌تر امکانات توسعه‌ای در بخش زیرساخت‌ها، آموزش و بهداشت روستایی شهرستان‌های استان همراه بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** دولت (عملکرد) / توسعه اقتصادی / توسعه اجتماعی / همدان (استان) / روستاها.

---

\* این مقاله برگرفته از نتایج یک طرح پژوهشی است که براساس قرارداد با دانشگاه بوعلی سینا به‌انجام رسیده است.

\*\* عضو هیئت علمی و استادیار گروه اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا (hamidbasu1340@gmail.com).

## مقدمه

از دیدگاه تحلیلگران، در کنار رشد اقتصادی با مفاهیم کمی و قابل اندازه‌گیری، توسعه یک مفهوم کیفی است و به وضعیتی اطلاق می‌شود که حداقل سه هدف یا شرط را محقق سازد: اول، امکان دسترسی بیشتر به کالاها و خدمات تداوم‌بخش زندگی انسان؛ دوم، افزایش سطح زندگی و بهره‌مندی انسان‌ها از مواهب مادی؛ و سوم، گسترش دامنه انتخاب، آزادی اندیشه‌ها و برابری افراد جامعه در برابر قانون. نخستین بار، آلبرت هیرشمن اقتصاددان معروف توسعه، بر اساس محدودیت امکانات و توانمندی‌های مناطق و بخش‌های مختلف اقتصادی، به بیان مبنای نظری مطالعات منطقه‌ای و بخشی رشد با عنوان نظریه رشد نامتوازن اقتصادی<sup>(۱)</sup> پرداخت. اگرچه آثار و نتایج کاربردی این نظریه در عملکرد تخصصی‌تر کشورها و کسب مزیت‌های مطلق مانند تولید انحصاری دانش و فناوری، تولیدات صنعتی، تحقیقات بنیادی، محصولات فناوری نانو، و پژوهش‌های فضایی قابل مشاهده است، اما علی‌رغم دستیابی به سطوحی قابل قبول از رشد و توسعه در بعضی مناطق برخوردار و نیز در برخی از فعالیت‌های خاص اقتصادی- اجتماعی، نمی‌توان وجود بخش‌های کمتر توسعه‌یافته و محروم از امکانات و تسهیلات در کشورهای در حال توسعه را که تا حدی زاینده نظریه رشد نامتوازن است، انکار کرد (Puga, 2007)، به گونه‌ای که اثرات انتظاری نشر توسعه از مناطق برخوردار به مناطق محروم جای خود را به شکاف بیشتر درآمدی و ظهور پدیده دوگانگی اقتصادی- اجتماعی به‌ویژه در میان مناطق شهری و روستایی داد.

برخلاف مناطق شهری که در آنها، فعالیت‌های صنعتی و خدماتی متمرکز است، روستاها اولین مراکز اجتماعی زندگی نوین انسان‌ها به‌شمار می‌روند که ساکنان آن بیشتر از طریق فعالیت‌های کشاورزی امرار معاش می‌کنند و بیشتر آنها نیز در زیستگاه‌های کوچک و پراکنده سکونت دارند. در حال حاضر، مطابق سرشماری‌هایی که در کشور صورت می‌گیرد، روستا به نقاطی گفته می‌شود که کمتر از ۵۰۰۰ نفر جمعیت داشته باشند. بررسی ارقام متوسط هزینه ناخالص خانوارهای شهری و

روستایی نشان می دهد که در مناطق روستایی، همواره سطح زندگی پایین تر از مناطق شهری و در حدود ۶۵ درصد آن بوده است؛ بدین معنی که اگر خانوارهای شهری و روستایی بخواهند با هزینه خود یک سبد استاندارد کالایی را خریداری کنند که بر اساس شاخص ضمنی مصرف مشخص می شود، آنگاه خانوار روستایی در مقایسه با خانوار شهری فقط می تواند ۶۵ درصد آن سبد را خریداری کند. این تفاوت بین هزینه ها که به نوعی تفاوت درآمدها را نیز منعکس می کند، نشان دهنده «اختلاف پایدار در شرایط اقتصادی شهر و روستا» است که چه بسا یکی از دلایل مهم مهاجرت به شهرها و عدم تعادل های منطقه ای به شمار می رود (مقصودی، ۱۳۷۲).

از آنجا که در سال های گذشته تزریق درآمدهای نفتی، فرصت مناسبی را جهت اجرای سیاست های ضد فقر و از بین بردن دوگانگی های اقتصادی - اجتماعی به خصوص در سطح مناطق روستایی فراهم آورده، اجرای گسترده طرح توسعه یکپارچه روستایی<sup>(۲)</sup>، بیش از پیش مورد توجه مدیران و کارشناسان برنامه ریزی اقتصادی و امور اجتماعی قرار گرفته است. این کارشناسان بر این باورند که با ایجاد شهرهای کوچک در پیوند با حوزه های روستایی و نیز با محوریت آنها (قطب های رشد<sup>(۳)</sup>)، می توان به اهدافی نظیر تنوع بخشی در فعالیت های غیرزراعی، صنعتی سازی روستاها، عرضه خدمات پشتیبانی، تجاری سازی کشاورزی و سرانجام، به سازمان دهی و مدیریت منابع دست یافت. البته برای تحقق این هدف، شیوه هایی متفاوت ارائه شده که «رندنبلی»، از کارشناسان برنامه ریزی، در پایه گذاری راهبرد توسعه یکپارچه روستایی خود، پر کردن خلأ سلسله مراتبی «از بالا به پایین» را مد نظر قرار داده است؛ در حالی که «میسرا»، مشاور برنامه ریزی منطقه ای در هند، ایجاد چنین فضایی را بیشتر «از پایین به بالا» مطلوب می داند؛ یعنی، حرکت از کوچک ترین نقطه روستایی (میرزا امینی، ۱۳۸۶). تأسیس و گسترش مراکز صنعتی ناحیه ای<sup>(۴)</sup> در هند از نمونه های بارز فعالیت هایی است که در راستای افزایش میزان مشارکت محلی، تنوع بخشی به فعالیت های غیرزراعی و افزایش درآمد روستاییان صورت گرفته است.

### طرح مسئله و اهمیت موضوع

بدیهی است که در بیشتر کشورهای در حال توسعه با اقتصاد معیشتی کشاورزی در مناطق روستایی، عموماً روستاییان نسبت به شهرنشینان درآمد کمتری دارند و از خدمات اجتماعی ناچیزی برخوردارند و از این رو، فقیرتر و آسیب‌پذیرترند؛ و همین مسئله نیز منجر به مهاجرت آنها به سوی شهرها می‌شود. از عوامل مؤثر در ایجاد این مشکل، می‌توان به مواردی همچون پراکندگی جغرافیایی روستاها، عدم توجه اقتصادی برای ارائه خدمات زیربنایی، حرفه‌ای و تخصصی نبودن کار کشاورزی (بهره‌وری پایین)، محدودیت منابع زمین (در مقایسه با رشد جمعیت)، و عدم مدیریت درست زیرساخت‌ها اشاره کرد. منظور از زیرساخت‌های روستایی همان سرمایه‌های عمومی، تولیدی و اجتماعی روستاهاست که در بیشتر زیرساخت‌های اجتماعی، کالبدی و نهادی، به بهبود شرایط و کیفیت زندگی و معیشت مردم محلی و نیز ارتقای کارایی زندگی اجتماعی و اقتصادی آنها می‌انجامد. البته منظور از ایجاد، توسعه و نگهداری زیرساخت‌های روستایی، صرفاً تزریق نهاده‌های سرمایه‌ای به یک جامعه دارای تولید سنتی نیست، بلکه هدف ایجاد سازوکارها، نهادها و رویکرد مدیریتی جدیدی است که در عمل، مشارکت گسترده مردم بومی یا همان روستاییان را می‌طلبد (Daultrey, 1976).

تجربه کشورهای نظیر هند، کره جنوبی، چین و مالزی حاکی از تلاش‌های دولت مرکزی برای ارتقای کارایی زندگی اجتماعی و اقتصادی روستاها با اهداف توسعه یکپارچه منطقه‌ای است. برای نمونه، هند از کشورهای پیشگام در زمینه اجرای برنامه‌های فقرزدایی در مناطق روستایی با تأکید بر راهبرد توسعه یکپارچه روستایی و تنوع‌بخشی به فعالیت‌های غیرزراعی به‌ویژه گسترش صنایع روستایی محسوب می‌شود. «پراشانت ردی»، کارشناس برنامه‌ریزی ناحیه‌ای هند، در مقاله خود با عنوان «عدم توزان منطقه‌ای در استان آندراپرادش»، با اشاره به ضرورت از میان بردن تفاوت‌های منطقه‌ای به‌مثابه پایه و اساس رشد و توسعه می‌گوید: کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در ایالت

آندراپرادش هند (شامل سه منطقه ساحلی آندرا، ریالاسیما، و تلانگانا) در طول پنجاه سال اخیر موجبات رشد و توسعه بیشتر در زمینه گسترش فناوری اطلاعات در این مناطق و کاهش سطح فقر روستایی را فراهم آورده است (Reddy, 2004). با مروری اجمالی بر ادبیات موضوع و مطالعات اقتصادی انجام شده در زمینه رشد نامتوازن بخش‌های مختلف اقتصادی در شهرستان‌های استان همدان، هدف مطالعه حاضر پاسخ‌گویی بدین پرسش‌های اساسی است که «آیا سیاست‌های بودجه‌ای و برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای دولت توانسته است در روند توسعه بخشی روستاهای پراکنده در استان همدان تغییراتی مؤثر ایجاد نماید؟» و «آیا طی سال‌های اجرای برنامه سوم توسعه اقتصادی- اجتماعی، در سطوح توسعه‌یافتگی روستاهای استان همدان تفاوتی معنی‌دار مشاهده می‌شود؟».

## روش کار

به منظور اندازه‌گیری میزان دستیابی جوامع به سطوح متفاوت توسعه و سنجش میزان تغییر در درجه توسعه‌یافتگی، شاخص‌هایی گوناگون مانند شاخص توسعه نیروی انسانی<sup>(۵)</sup> طراحی و معرفی شده‌اند که برخی از آنها نمادی از یک متغیر کلان اقتصادی و برخی دیگر ترکیبی از شاخص‌های رشد و توسعه به‌شمار می‌روند. البته با توجه به ضرورت بومی‌سازی این‌گونه شاخص‌ها، معمولاً می‌توان با ترکیب شاخص‌های رشد و توسعه، به یک معرف بهتر در زمینه وضعیت توسعه اقتصادی و سطح‌بندی آنها دست یافت (زیاری، ۱۳۷۸). بدیهی است که دستیابی واقعی به سطحی قابل قبول از توزیع درآمد، ارزیابی پیامد سیاست‌های توسعه‌ای در عرصه توزیع عوامل تولید، اطلاع از موقعیت و رفاه افراد جامعه و سرانجام، برنامه‌ریزی برای ارتقای عدالت اجتماعی، همگی در گرو شناخت وضعیت موجود و توزیع برابر امکانات جامعه در مناطق مختلف است (مسجدی، ۱۳۸۱).

در مطالعه حاضر، از داده‌های اطلاعاتی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی مربوط به سال‌های آغاز و پایان برنامه توسعه اقتصادی-اجتماعی سوم استان (۱۳۷۸ و ۱۳۸۳) استفاده شد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۵ ب). همچنین، مدل سنجش و اندازه‌گیری سطح توسعه‌یافتگی روستاها به عنوان معیار ارزیابی عملکرد دولت در شهرستان‌های استان همدان به کار گرفته شد. در این رابطه، پس از انجام مطالعات اکتشافی اولیه و طرح مبانی نظری، نخست، تعیین سطح مطالعه از نظر موقعیت اقتصادی و اجتماعی صورت گرفت و سپس، همراه با تعریف عملیاتی و استانداردسازی شاخص‌های توسعه روستایی، اطلاعات لازم برای تعیین سطوح توسعه‌یافتگی روستاها جمع‌آوری شدند. شهرستان‌های مورد بررسی در استان عبارت‌اند از: همدان، اسدآباد، رزن، کبودرآهنگ، نهاوند، بهار، تویسرکان، و ملایر.

در ادامه، با توجه به شاخص‌های اصلی رشد و توسعه، سنجش سطوح متفاوت توسعه‌یافتگی و عملیات همگن‌سازی و رتبه‌بندی<sup>(۶)</sup> شهرستان‌های استان همدان به روش تاکسونومی عددی صورت پذیرفت. با بهره‌گیری از این روش، برای تعیین درجه توسعه‌یافتگی بر اساس مجموعه‌ای از شاخص‌های استاندارد شده، می‌توان مجموعه‌ای از مناطق قابل مقایسه با یکدیگر را به مجموعه‌ای همگن تقسیم کرد و یک مقیاس ترکیبی معین را مورد استفاده قرار داد (کلانتری، ۱۳۸۰). عملیات مربوط به رفع مشکل هم‌خطی عوامل، کاهش عوامل به حداقل موارد لازم و نیز استخراج عوامل مؤثر در ایجاد تفاوت‌های منطقه‌ای از طریق تجزیه و تحلیل عاملی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفت. این روش بیشتر در مواردی توصیه می‌شود که در درون هر کدام از زیرگروه‌ها همبستگی درونی بالایی وجود داشته باشد اما همبستگی بین گروه‌ها کمتر باشد. در این حالت، می‌توان از طریق تحلیل عاملی، به محاسبه اولین، دومین، سومین و .... مؤلفه‌های اصلی<sup>(۷)</sup> پرداخت؛ این مؤلفه‌ها با متغیرهای اصلی ارتباط خطی دارند و از بیشترین مجموع مجذور همبستگی با متغیرها برخوردارند. مزیت تحلیل عاملی کاهش تعداد عوامل (در مقایسه با تعداد نماگرها) و نیز اطمینان از عدم وجود همبستگی بین متغیرهاست (بیدآباد، ۱۳۶۲).

به طور مشخص، متغیرهای مورد استفاده در پژوهش عبارت‌اند از: الف- متغیر وابسته یا درجه توسعه‌یافتگی روستاها، و ب- متغیرهای مستقل شامل شاخص‌های زیرساختی (شش متغیر)، آموزشی (سه متغیر)، و بهداشتی (سه متغیر)، که در جدول ۱ آمده است. برای همگن‌سازی مناطق، از روش حداقل کردن ماتریس فواصل استفاده شد تا مناطقی که خارج از فاصله اطمینان (D) قرار دارند، از مسیر تجزیه و تحلیل خارج شوند.

$$D = \bar{d} \pm 2s_d$$

$$\bar{d} = \frac{\sum_{i=1}^n d_i}{n} \quad S_d = \sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (d_i - \bar{d})^2}{n}} \quad L_1 = \bar{d} - 2s_d \quad L_2 = \bar{d} + 2s_d$$

برای تعیین سطوح متفاوت توسعه‌یافتگی مناطق، از ماتریس برداری فاصله‌ها نسبت به نقطه ایده‌آل (C<sub>io</sub>) استفاده شد تا رتبه شهرستان‌ها از نظر درجه توسعه‌یافتگی روستاها (برخورداری از رفاه نسبی) تعیین شود. شایان یادآوری است که برای تعیین درجه توسعه‌یافتگی مناطق، شاخص تلفیقی (di) به نام «درجه برخورداری» معرفی می‌شود که دارای دامنه‌ای محدود میان مقادیر صفر و یک است. هر چه شاخص تلفیقی (di) به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده برخورداری بودن منطقه مورد نظر و هر چه به یک نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده عدم برخورداری منطقه مورد نظر از امکانات توسعه‌ای است (آذری، ۱۳۸۶). همچنین، برای تحلیل درصد توصیف‌کنندگی عوامل و تأثیر آنها بر عدم توازن منطقه‌ای، از روش تحلیل عاملی برای کاهش عوامل به حداقل عوامل مؤثر و تعیین درصد تجمعی واریانس توصیف‌کنندگی استفاده شد.

$$c_{io} = \sqrt{\sum_{j=1}^n (Z_{ij} - Z_{oj})^2} \quad \bar{c}_{io} = \frac{\sum_{i=1}^n c_{io}}{n}$$

$$CO = C_{i0} + 2S_{i0} \quad \text{حد بالای سمرشق (ایده آل)} \quad d_i = \frac{C_{i0}}{c_0} \quad \text{درجه توسعه یافتگی}$$

جدول ۱- شاخص‌های توسعه بخش روستایی استان همدان

T-X <sub>۱</sub>	نسبت آبادی‌های دارای انواع راه‌های روستایی به مجموع آبادی‌های شهرستان
T-X <sub>۲</sub>	نسبت آبادی‌های دارای برق به مجموع آبادی‌های شهرستان
T-X <sub>۳</sub>	نسبت آبادی‌های گازرسانی‌شده به مجموع آبادی‌های شهرستان
T-X <sub>۴</sub>	نسبت آبادی‌های دارای ارتباط تلفنی به مجموع آبادی‌های شهرستان
T-X <sub>۵</sub>	نسبت آبادی‌های دارای صندوق پستی به مجموع آبادی‌های شهرستان
T-X <sub>۶</sub>	نسبت شرکت‌های تعاونی روستایی به‌ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت روستایی شهرستان
T-X <sub>۷</sub>	نسبت آبادی‌های دارای خانه بهداشت به مجموع آبادی‌های شهرستان
T-X <sub>۸</sub>	نسبت آبادی‌های دارای مراکز بهداشتی درمانی به مجموع آبادی‌های شهرستان
T-X <sub>۹</sub>	نسبت کارکنان به‌ورز به هر ۱۰۰ نفر جمعیت زیر پوشش روستایی شهرستان
T-X <sub>۱۰</sub>	نسبت جمعیت روستایی باسواد شش ساله و بیشتر به کل جمعیت روستایی شهرستان
T-X <sub>۱۱</sub>	نسبت کارکنان آموزشی دوره ابتدایی به هر ۱۰۰ نفر جمعیت روستایی شهرستان
T-X <sub>۱۲</sub>	نسبت سواد آموزان نهضت سوادآموزی به هر ۱۰۰ نفر جمعیت روستایی شهرستان

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان همدان، ۱۳۸۵ الف

## یافته‌ها و نتایج

### آمار توصیفی و واریانس عامل مشترک متغیرها

اطلاعات مربوط به آمار توصیفی و واریانس عامل مشترک متغیرها از جمله نتایج اولیه تحلیل عاملی بود، که در جدول ۲ آمده است. این جدول مقدماتی شامل شاخص‌های میانگین، انحراف معیار، و ستون اشتراک‌ها<sup>(۸)</sup> بوده، متغیرها در حالت تحلیل عاملی بدون چرخش است؛ و نسبتی از واریانس آزمون مورد نظر را نشان می‌دهد که بر اساس عوامل مشترک استخراج‌شده در تحلیل عاملی برآورد می‌شود.



جدول ۲- آمار توصیفی و واریانس عامل مشترک متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف معیار	اشتراک ها	
			مقادیر اولیه	استخراج شده
T-X <sub>1</sub>	۳۴۹/۱۳	۱۴۷/۶۵	۱	۰/۶۶۹
T-X <sub>۲</sub>	۱۳۲/۸۸	۴۵/۹۸	۱	۰/۷۰۸
T-X <sub>۳</sub>	۸/۲۵	۸/۶۱	۱	۰/۹۵۷
T-X <sub>۴</sub>	۱۲۴/۱۳	۳۸/۹۲	۱	۰/۹۷۲
T-X <sub>۵</sub>	۶۰/۰۰	۱۶/۳۲	۱	۰/۹۰۰
T-X <sub>۶</sub>	۱۵/۸۸	۵/۴۴	۱	۰/۷۸۳
T-X <sub>۷</sub>	۷۰/۸۸	۱۹/۸۵	۱	۰/۹۴۵
T-X <sub>۸</sub>	۱۱/۰۰	۳/۵۱	۱	۰/۸۶۵
T-X <sub>۹</sub>	۱۲۴/۸۸	۳۲/۸۹	۱	۰/۹۴۹
T-X <sub>۱۰</sub>	۶۵۷۸۲/۲۵	۱۹۹۱۳/۷۶	۱	۰/۹۰۸
T-X <sub>۱۱</sub>	۱۴۷۲/۸۸	۸۶۸/۰۹	۱	۰/۹۷۶
T-X <sub>۱۲</sub>	۳۵۵۹/۳۸	۱۷۳۶/۳۹	۱	۰/۸۲۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

### عملیات همگن سازی

خلاصه نتایج عملیات همگن سازی مناطق با بهره‌گیری از ماتریس متغیرهای استاندارد شده و ماتریس قطری فواصل در جدول ۳ آمده است. در این نمونه از محاسبات، با توجه به استخراج میانگین، انحراف معیار و فاصله همگنی مناطق از نظر شاخص‌های اصلی توسعه روستایی در فاصله اطمینان ۲/۳۵ تا ۵/۱۵، مشخص شد که مناطق مورد بررسی از همگنی لازم برخوردارند و نیازی به حذف منطقه ناهمگن نیست. همچنین، برای مقایسه عملکرد برنامه‌های دولت در دو مقطع قبل و بعد از برنامه توسعه سوم، از ضریب تغییرات درجه همگنی (C.V) استفاده شد.

## جدول ۳- نتایج عملیات همگن سازی مناطق بر اساس شاخص های توسعه روستایی

۳/۷۵		میانگین فاصله مناطق
۰/۷		انحراف معیار فاصله مناطق
۵/۱۵	۲/۳۵	فاصله همگنی مناطق
۱۸/۶۸		ضریب تغییرات درجه همگنی (درصد) C.V

مأخذ: یافته های پژوهش

## تعیین درجه توسعه یافتگی

خلاصه نتایج به دست آمده از تعیین سطوح توسعه یافتگی شهرستان های استان همدان بر اساس میزان برخورداری مناطق روستایی از شاخص های اصلی توسعه در بخش روستایی به کمک تشکیل ماتریس متغیرهای استاندارد شده و با بهره گیری از روش حداقل سازی فاصله مناطق از مقدار ایده آل (یعنی،  $C_0=9/15$ ) در جدول ۴ آمده است. چنان که ملاحظه می شود، شهرستان تویسرکان با کمترین نسبت  $d_i$  برابر با  $0/543$  توسعه یافته ترین و شهرستان نهاوند با بیشترین نسبت  $d_i$  برابر با  $0/916$  دارای کمترین درجه توسعه یافتگی از نظر میزان برخورداری مناطق روستایی شناخته شده اند.

## جدول ۴- تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان همدان بر اساس برخورداری از

شاخص های توسعه روستایی، ۱۳۸۳

شهرستان	رتبه	مجموع مجذور استاندارد شاخص ها	$(C_{i0})$	نسبت درجه های توسعه یافتگی به ایده آل ( $d_i$ )
اسدآباد	چهارم	۴۸/۵۴	۶/۹۷	۰/۷۶۱
بهار	سوم	۴۴/۰۳	۶/۶۴	۰/۷۲۵
تویسرکان	اول	۲۴/۶۸	۴/۹۷	۰/۵۴۳
رزن	ششم	۵۶/۰۲	۷/۴۹	۰/۸۱۸
کبودرآهنگ	هفتم	۶۴/۷۰	۸/۰۴	۰/۸۷۹
ملایر	دوم	۳۷/۴۶	۶/۱۲	۰/۶۶۹
نهاوند	هشتم	۷۰/۲۷	۸/۳۸	۰/۹۱۶
همدان	پنجم	۵۱/۷۲	۷/۱۹	۰/۷۸۶

مأخذ: یافته های پژوهش

### کاهش عوامل

خلاصه نتایج به کارگیری روش تحلیل عاملی برای کاهش عوامل بسیار به حداقل عوامل مؤثر بر تفاوت‌های منطقه‌ای در جدول‌های ۵ و ۶ آمده که از یک سو، نشان‌دهنده واریانس آزمون کل و از سوی دیگر، نشان‌دهنده ارزش بارگذاری<sup>(۹)</sup> هر کدام از عوامل است. اگر چه مقادیر ویژه در جدول اصلی برای همه عوامل استخراج شده اما در پایان، تنها چهار عامل یا مؤلفه<sup>(۱۰)</sup> با مقدار ویژه بزرگ‌تر از عدد یک در جدول نتایج باقی مانده است. این چهار عامل اصلی، که ۸۷/۱۰ درصد از واریانس کل بین مناطق را به طور تجمعی تبیین می‌کنند، عبارت‌اند از:

- ۱- تسهیلات گازرسانی به روستاها (شاخص‌های سوم با ۰/۹۴۰ و یازدهم با ۰/۹۱۱ ارزش بارگذاری و مجموعاً تبیین‌کننده ۲۷/۹۴ درصد از واریانس کل)؛
- ۲- تسهیلات خانه بهداشت (شاخص هفتم با ۰/۹۳۵ ارزش بارگذاری و تبیین‌کننده ۲۲/۹۵ درصد از واریانس کل)؛
- ۳- کارکنان بهداشت (شاخص نهم با ۰/۹۲۱ ارزش بارگذاری و تبیین‌کننده ۲۱/۴۵ درصد از واریانس کل)؛ و
- ۴- امکانات و تسهیلات ارتباطی (شاخص پنجم با ۰/۹۴۷ ارزش بارگذاری و تبیین‌کننده ۱۴/۷۵ درصد از واریانس کل).

این نتیجه‌گیری را می‌توان از طریق نمایش هندسی مقادیر ویژه<sup>(۱۱)</sup> نیز نشان داد (نمودار ۱). با نگاهی به تصویر گرافیکی مقدار ویژه هر کدام از فاکتورهای استخراج شده، ملاحظه می‌شود که با استخراج عوامل بعدی یکی پس از دیگری، مقدار واریانس تبیین‌شده (مقدار ویژه) ابتدا بین دو عامل چهارم و پنجم شروع به ظاهر شدن می‌کند و به تدریج، از اهمیت آن کاسته می‌شود.

جدول ۵- مؤلفه‌های تبیین‌کننده واریانس آزمون کل

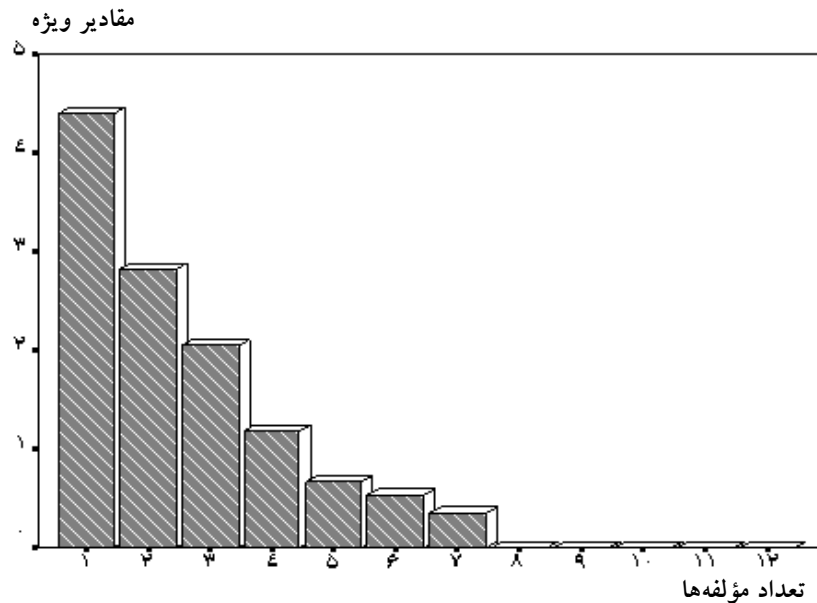
واریانس فاکتور چرخش داده شده			مقادیر ویژه			مؤلفه‌های استخراج شده
درصد واریانس تجمعی	درصد واریانس	مجموع	درصد واریانس تجمعی	درصد واریانس	مجموع	
۲۷/۹۴	۲۷/۹۴	۳/۳۵	۳۶/۶۱	۳۶/۶۱	۴/۳۹	۱
۵۰/۸۹	۲۲/۹۵	۲/۷۵	۶۰/۱۵	۲۳/۵۴	۲/۸۲	۲
۷۲/۳۵	۲۱/۴۵	۲/۵۷	۷۷/۲۵	۱۷/۱۰	۲/۰۵	۳
۸۷/۱۰	۱۴/۷۵	۱/۷۷	۸۷/۱۰	۹/۸۵	۱/۱۸	۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۶- ماتریس مؤلفه‌های چرخش داده شده

مؤلفه				متغیر
۴	۳	۲	۱	
-۰/۶۹۵	۰/۳۳۷	۰/۱۱۴	-۰/۳۴۶	T-X <sub>۱</sub>
-۰/۲۴۱	۰/۰۶۰	۰/۷۲۱	-۰/۳۵۷	T-X <sub>۲</sub>
۰/۰۳۲	۰/۰۰۲۳	-۰/۲۶۸	۰/۹۴۰	T-X <sub>۳</sub>
۰/۴۷۵	-۰/۱۹۳	-۰/۵۴۹	-۰/۶۳۹	T-X <sub>۴</sub>
۰/۹۴۷	۰/۰۳۸	۰/۰۲۲	۰/۰۴۵	T-X <sub>۵</sub>
۰/۰۳۲	۰/۷۳۱	۰/۲۹۶	۰/۴۰۱	T-X <sub>۶</sub>
۰/۱۲۴	-۰/۲۱۵	۰/۹۳۵	-۰/۰۹۲	T-X <sub>۷</sub>
-۰/۰۲۱	۰/۳۷۶	۰/۸۳۱	-۰/۱۷۸	T-X <sub>۸</sub>
-۰/۰۱۷	۰/۹۲۱	-۰/۲۶۱	-۰/۱۸۲	T-X <sub>۹</sub>
-۰/۲۰۹	۰/۸۸۹	۰/۱۱۱	۰/۲۴۷	T-X <sub>۱۰</sub>
۰/۱۷۵	۰/۰۲۷	-۰/۳۳۹	۰/۹۱۱	T-X <sub>۱۱</sub>
۰/۲۷۷	۰/۲۴۰	۰/۰۱۱	۰/۸۲۸	T-X <sub>۱۲</sub>

مأخذ: یافته‌های پژوهش



نمودار ۱- مقادیر ویژه عوامل استخراج شده

مقایسه همگن سازی مناطق و تعیین درجه توسعه یافتگی در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۳

نتایج بررسی تفاوت‌های منطقه‌ای در بخش توسعه روستایی شهرستان‌های استان همدان در جدول‌های ۷ و ۸ نشان می‌دهد که در زمینه رشد و توسعه عوامل مؤثر بر توسعه روستایی، تغییراتی چشمگیر صورت پذیرفته است، به گونه‌ای که با توجه به ضرایب تغییرات درجه همگنی در دوره مورد بررسی (۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳)، ملاحظه می‌شود که میزان این ضریب در پایان برنامه توسعه سوم در ۱۳۸۳ ( $C.V=18/68$ ) کمتر از همین ضریب در آغاز این برنامه در ۱۳۷۸ ( $C.V=19/99$ ) بوده است. در این جداول مقایسه‌ای، کاهش حدود اطمینان فاصله همگنی و نیز ضریب تغییرات درجه همگنی مبنای نتیجه‌گیری برای کاهش فاصله دیگر مناطق از نقطه ایده‌آل در زمینه برخورداری از امکانات توسعه‌ای بخش روستایی قرار گرفت.

جدول ۷- همگن سازی مناطق و تعیین درجه توسعه یافتگی در ۱۳۷۸

۱۹/۹۹	ضریب تغییرات درجه همگنی (درصد) C.V	
۱۰/۹	ایده آل شاخص استاندارد شده $C_0$	
۲/۸۲	۶/۲۱	فاصله همگنی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۸- همگن سازی مناطق و تعیین درجه توسعه یافتگی در ۱۳۸۳

۱۸/۶۸	ضریب تغییرات درجه همگنی (درصد) C.V	
۹/۱۵۲	ایده آل شاخص استاندارد شده $C_0$	
۲/۳۵	۵/۱۵	فاصله همگنی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

### نتیجه گیری و پیشنهادها

- به طور کلی، عمده ترین قابلیت های استان همدان عبارت اند از: وجود نیروهای کارآمد و متخصص آموزش دیده؛ برخورداری از منابع آبی غنی و خاک حاصل خیز؛ وجود بیشترین عرصه جنگلی و امکان احیای آنها؛ حجم بالای تولیدات زراعی و محصولات باغی؛ وجود معادن سنگ آهک، مرمریت و سنگ چینی؛ زمینه توسعه و ایجاد صنایع تبدیلی دامی و کشاورزی؛ و وجود نیروی ماهر در صنایع دستی و روستایی؛ و برخورداری از جاذبه های تاریخی، فرهنگی و طبیعی و نیز زمینه های لازم برای جذب سرمایه گذاری خارجی در منطقه. همچنین، عمده ترین تنگناهای استان عبارت اند از: محدودیت بهره برداری از منابع آب، به دلیل عدم استفاده مفید و مطلوب از منابع آبی به ویژه مهار آب های سطحی؛ عدم سرمایه گذاری مناسب در زمینه فضاهای گردشگری و سیاحتی؛ نبود سامانه حمل و نقل ریلی؛ عدم کفایت انبارها و سردخانه ها محصولات کشاورزی؛ کوچک و پراکنده بودن زمین های کشاورزی؛ وجود بافت های مسکونی فرسوده در نقاط شهری و روستایی؛ و کمبود

امکانات رفاهی، آموزشی و نیز تأسیسات صنعتی زیربنایی به ویژه صنایع تبدیلی محصولات کشاورزی در مناطق روستایی، به منظور ایجاد پیوند میان فعالیت‌های زراعی و غیرزراعی.

• نقش برجسته و دیرینه اقتصادی- اجتماعی روستاها در استان همدان با تأکید بیشتر بر فعالیت‌های زراعی و تا حدی غیرزراعی، تعدد و پراکندگی روستاهای منطقه به دلیل شرایط خاص جغرافیایی، و نیز نارسایی‌های خدماتی موجود در زمینه‌های زیرساختی، آموزشی و بهداشتی باعث شده است که پرداختن به چگونگی بهبود این شرایط و کاهش دوگانگی‌های اقتصادی- اجتماعی بین شهر و روستا از مبرم‌ترین مسائل استان در طول برنامه‌های توسعه گذشته شناخته شود. با توجه به نتایج و یافته‌های تحقیق، می‌توان اجرای سیاست‌های توسعه یکپارچه روستایی در منطقه را با اهدافی چون ارتقای سطح زندگی مردم از طریق ارائه هر چه بیشتر تسهیلات زیرساختی مانند فراهم‌آوری انرژی مناسب برای فعالیت‌های زراعی و غیرزراعی، ارائه خدمات بهداشتی نظیر توزیع متعادل کارکنان بهداشتی- درمانی و همچنین فراهم‌آوری امکانات آموزشی در راستای توسعه مناطق روستایی پی گرفت، که اهمیت آن به ویژه هنگامی آشکار می‌شود که با توسعه فعالیت‌های صنعتی در مناطق روستایی، ایجاد اشتغال سودآور غیرزراعی نیز ضرورت یابد تا از این رهگذر، تفاوت درآمد شهرنشینان و روستانشینان افزایش نیافته، از مهاجرت روستاییان به شهر نیز کاسته شود.

• توصیه می‌شود که سیاست‌های مرتبط با تمرکززدایی در زمینه‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، بودجه‌ریزی و تخصیص اعتبارات ملی و محلی به مفهوم واگذاری بخشی از امور به مناطق روستایی و دهستان‌ها و نیز افزایش کارایی از طریق جلب مشارکت‌های مردمی در فضایی رقابتی به‌طور جدی پیگیری شود. به تجربه ثابت شده است که می‌توان با اتخاذ سیاست‌های تمرکززدایی و افزایش میزان مشارکت افراد محلی در توسعه اقتصادی، بستری مناسب برای تأمین مشاغل جدید و پردرآمد،

ایجاد فرصت‌های کاری برای افراد بیکار و نیمه‌بیکار، رشد کمی جوانان تحصیل کرده در نواحی روستایی، کاهش مهاجرت به دیگر شهرهای بزرگ، ایجاد تنوع اقتصادی همراه با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، افزایش سطح رفاه همگانی و سرانجام، توسعه پایدار فراهم ساخت.

### یادداشت‌ها

1. unbalanced economic growth
2. Integrated Rural Development Program (IRDP)
3. growth poles
4. District Industrial Centers (DIC)
5. Human Development Index (HDI)
6. ranking
7. principal components
8. communalities
9. loading value
10. component
11. scree plot

### منابع

- آذری، لطفعلی (۱۳۸۶)، «معرفی روش آنالیز تاکسونومی عددی، روشی کاربردی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای». قابل دسترسی در: [www.lotfaliazari.blogfa.com/post-7.aspx](http://www.lotfaliazari.blogfa.com/post-7.aspx)
- بیدآباد، بیژن (۱۳۶۲)، *آنالیز تاکسونومی و کاربرد آن*. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۷۸)، *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای*. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۵ الف)، *سالنامه آماری استان همدان*. همدان: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان همدان.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۵ ب)، *برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان همدان*. همدان: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان همدان.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۰)، *برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، تئوری‌ها و تکنیک‌ها*. تهران: انتشارات خوشبین.



مقصودی، امید (۱۳۷۲)، «تکنیک‌های کاربردی در سنجش سطح توسعه مناطق». قابل دسترسی در: <http://dehati59.blogfa.com/post-30.aspx>

مسجدی، فرخ (۱۳۸۱)، «سنجش توسعه یافتگی کشورها». *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*. سال ۳، شماره ۱۰.

میرزاامینی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «چشم‌انداز ۲۰ ساله مناطق روستایی کشور». قابل دسترسی در: [http://www.jobportal.ir/s1/default.aspx?id=9\\_2\\_5040\\_1\\_864](http://www.jobportal.ir/s1/default.aspx?id=9_2_5040_1_864)

Daultrey, Stu (1976), "Principal component analysis ". Available on: <http://www.qmrg.org.uk/files/2008/11/8-1principle-components-analysis.pdf>.

Puga, Diego (1998), "The Rise and Fall of Regional Inequalities". Available on: <http://cep.lse.ac.uk/pubs/download/dp0314.pdf>.

Reddy, C. Prashanth (2004), "Regional disparities on decline in AP: study". Available on: <http://www.thehindubusinessline.com/bline/2004/01/17/stories/2004011701170400.htm>.